

تجانس و اهمیت اقتصاد نهادی برای ساخت اقتصاد اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

علیرضا پورفرج* زهرا کریمی موغاری** جواد اقدس طینت***

چکیده

اقتصاد نئوکلاسیک رویکرد اصلی و مسلط برنامه‌های آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد محسوب شده و سایر رویکردها تا حدود زیادی در حاشیه این برنامه‌ها قرار دارند. بحث و سؤال اساسی این مقاله این است که آیا قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی نیز باید همین وضعیت را داشته باشد؛ یعنی آیا تأکید اقتصاد اسلامی باید بر ترکیب آموزه‌های اسلامی با ادبیات نئوکلاسیکی باشد. در ادبیات نهادی با تأکید بر محدودیت‌های بهینه‌سازی نئوکلاسیکی، «تصمیم‌گیری‌های نهادی» و «هزینه‌های مبادله» اهمیت پیدا می‌کنند. مشخصه اصلی رفتار دینی «نهادی عمل کردن» در چارچوب قواعد و ساختارهای دینی است و «کاهش هزینه‌های مبادله» نیز از کارکردهای اصلی فقه و اخلاق اسلامی به شمار می‌رود. از این منظر تشابه و تجانس شکلی بین ادبیات نهادی و آموزه‌های اسلامی تا حدود زیادی بدیهی به نظر خواهد آمد. هدف این مقاله عمق‌دهی و بیان مجدد و تفصیلی همین مفهوم به شکلی نوین است. در این راستا و به روش تحلیلی و توصیفی به مقایسه تطبیقی ادبیات نئوکلاسیکی و نهادی در حوزه اقتصاد خرد پرداخته خواهد شد و تلاش می‌شود با تأکید بر اهمیت و نقش «تصمیم‌گیری نهادی» و اهمیت کاهش «هزینه‌های مبادله» در اقتصاد، تحلیلی مناسب برای این ادعا مطرح شود که ادبیات اقتصاد نهادی در مقایسه با ادبیات نئوکلاسیکی اهمیت عملیاتی و تجانس بسیار بیشتری برای ساخت قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی دارند. بر این اساس لازم است در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد و اقتصاد اسلامی در کنار آموزش اقتصاد نئوکلاسیک توجه ویژه‌ای به ادبیات اقتصاد نهادی صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد نهادی، تصمیم‌گیری نهادی، هزینه مبادله.

طبقه‌بندی JEL: D12, B25, D02, D23

*. دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران. Email: pourfaraj@yahoo.com.

** دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران.

Email: zahra.karimimoghari@gmail.com.

*** دانشجوی دکترای اقتصاد اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول).

Email: javadaqdasi@yahoo.com.

مقدمه

اقتصاد اسلامی یک اصطلاح ترکیبی است و فارغ از دیدگاهی که درباره ماهیت آن مطرح شود* در این اصطلاح، ارتباطی حداقلی یا حداکثری از جنس ترکیب آموزه‌های اسلامی و علم اقتصاد متعارف وجود خواهد داشت. در علم اقتصاد رویکردهای مختلفی وجود دارند و به صورت کلی علم اقتصاد ترکیبی از این رویکردهای مختلف در کنار یکدیگر است. از میان این رویکردهای مختلف، مکتب اقتصاد نئوکلاسیک رویکرد اصلی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد محسوب می‌شود و سایر رویکردها تا حدود زیادی در حاشیه این برنامه‌ها قرار دارند. سؤال اساسی این مقاله این است که آیا قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی نیز باید همین وضعیت را داشته باشد؛ یعنی آیا باید تأکید اقتصاد اسلامی بر ترکیب آموزه‌های اسلامی با ادبیات نئوکلاسیکی باشد؟ مسلماً اقتصاد اسلامی باید از تمام رویکردها و ابزارهای تحلیلی موجود در علم اقتصاد به فراخور موضوعات مورد بحث استفاده کند؛ اما آیا می‌توان ادعا نمود رویکرد یا رویکردهایی در علم اقتصاد وجود دارند که در مقایسه با رویکرد نئوکلاسیکی، ادبیات متجانس‌تری برای ترکیب با آموزه‌های اسلامی دارند و لازم است اقتصاد اسلامی توجه بیشتری به این ادبیات داشته باشد؟ ادعای مقاله این است که رویکرد اقتصاد نهادی مخصوصاً در حوزه اقتصاد خرد، ادبیات متجانس‌تری** برای ترکیب با آموزه‌های اسلامی داشته و از جنبه عملیاتی و تطابق با دنیای واقعی نیز این رویکرد اهمیت بسیار بیشتری نسبت به رویکرد نئوکلاسیکی داشته و حرکت به سمت استفاده بیشتر از ادبیات نهادی موجب عملیاتی‌شدن و تطابق بیشتر با دنیای واقعی است.

*. کشف‌شدنی یا ساختنی، علم، نظام و یا مکتب؛ نگاه اثباتی یا خطابی و ... و یا ترکیبی از همه اینها.

** . تأکید این مقاله بر هم‌جنس‌بودن روش «شکلی» مدل‌سازی تصمیم‌گیری‌ها در اقتصاد نهادی و اقتصاد اسلامی است که در هر دو بر «رفتار نهادی» مبتنی بر عادات و قواعد و در چارچوب ساختارها تأکید دارد (به خلاف رویکرد نئوکلاسیکی که مبتنی بر بهینه‌سازی ریاضی است و نهادها را داده‌شده در نظر می‌گیرد). از نظر محتوا، این عادات، قواعد و ساختارها می‌توانند اسلامی (دارای جنبه‌های وحیانی) یا غیر اسلامی باشند؛ اما این تفاوت در محتوا خللی به تجانس شکلی ادعاشده وارد نمی‌سازد.

در حال حاضر بخش قابل توجهی از تحقیقات اقتصاد اسلامی در حوزه اقتصاد خرد ترکیب روش‌های متعارف نئوکلاسیکی با موضوعات اسلامی است. در این تحقیقات با تغییر توابع هدف (اضافه کردن اهداف غیر مادی) و اضافه نمودن قواعد شرعی به شکل محدودیت، تلاش می‌شود نحوه تصمیم‌گیری انسان مسلمان در حوزه‌های تولیدی و مصرفی مدل‌سازی شود؛ اگرچه این نوع پژوهش‌ها و همچنین آموزش‌های مربوطه از نظر منطق علمی بدون مشکل هستند؛* با این حال به نظر نمی‌رسد بازدهی کلی آنها موجب برآورده شدن انتظارات پژوهشگران اقتصاد اسلامی شده باشد و حتی مشاهده می‌شود که خود صاحبان این پژوهش‌ها نیز نسبت به این نوع رویکرد به تحقیقات اقتصاد اسلامی نقد داشته و این نوع اسلامی کردن مباحث را خیلی مفید نمی‌دانند. در ادبیات علم اقتصاد کاستی‌ها و نقایص مدل‌سازی‌های نئوکلاسیکی همواره محل بحث بوده‌اند.** می‌توان انتظار داشت این مشکلات و کاستی‌های موجود در رویکرد نئوکلاسیکی این قابلیت را داشته باشند به برنامه‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی با رویکرد نئوکلاسیکی نیز سرایت کنند.***

عدم توجه عملیاتی به نهادها - اعتراف به اهمیت نهادها اما منفعل و داده‌شده در نظر گرفتن آنها - یکی از مشکلات مهم رویکرد نئوکلاسیکی به شمار می‌رود. به‌طور کلی رفتار دینی از جنس رفتار نهادی (رفتار بر اساس عادت، قاعده و ساختار) است و از این منظر تسلط

*. اصولاً مدل‌سازی‌های نئوکلاسیکی از نظر منطق علمی (ریاضی) بدون مشکل هستند و مشکل اصلی آنها عدم مطابقت با دنیای واقعی می‌باشد.

** . برخی موارد عبارت‌اند از: فروض غیر واقعی، پیش‌بینی‌های نادرست، نادیده گرفتن متغیرهای مهمی که خیلی قابلیت بیان ریاضی ندارند (غفلت از نهادها)؛ البته باید توجه داشت که جنبه‌های مفید مدل‌سازی‌های نئوکلاسیکی مثل سادگی و معیار اولیه بودن را نمی‌توان نادیده گرفت.

*** . دسته‌ای از مشکلات رایج در پژوهش‌های اقتصادی مربوط به کاستی‌ها و افراط‌ها در به‌کارگیری روش‌های سنجی و آماری است که موجب عوض شدن جای وسیله و هدف و تبدیل شدن برخی پژوهش‌ها به بازی با اعداد می‌شود. این مشکلات را باید از مشکلات مربوط به خودمدل‌سازی‌های نئوکلاسیکی جدا در نظر گرفت. با توجه به فایده‌مندی استفاده منطقی از روش‌های سنجی و آماری، در تمام شاخه‌های علم اقتصاد و از جمله در دستگاه تحلیلی اقتصاد نهادی نیز استفاده از سنجی و آمار متداول بوده و امکان مشاهده مشکلات ذکر شده وجود دارد. اقتصاد اسلامی نیز هر رویکردی که داشته باشد ناگزیر از استفاده از روش‌های سنجی و آماری بوده و بالقوه مستعد این مشکلات خواهد بود.

پژوهشگران اقتصاد اسلامی به نظریه‌ها و تحلیل‌های نهادی در کنار مجهزبودن به ابزارهای تحلیلی نئوکلاسیکی ضروری خواهد بود. در اقتصاد نهادی همبستگی بین اقتصاد، حقوق و اخلاق کاملاً مورد تأکید است و با مقایسه تطبیقی ادبیات نئوکلاسیکی و نهادی مخصوصاً در حوزه اقتصاد خرد، تشابه بین ادبیات نهادی و آموزه‌های دینی در این حوزه امری بدیهی به نظر خواهد آمد. این موضوع در بسیاری پژوهش‌ها مورد اشاره قرار گرفته است که به برخی از آنها در قسمت پیشینه تحقیق اشاره خواهد شد. هدف این مقاله عمق‌دهی به همین مفهوم نسبتاً بدیهی و بیان مجدد و تفصیلی آن به شکلی نوین است. در این راستا و به روش تحلیلی و توصیفی به مقایسه تطبیقی ادبیات نئوکلاسیکی و نهادی در حوزه اقتصاد خرد پرداخته خواهد شد و تلاش بر این است توضیح تحلیلی مناسبی برای این ادعا ارائه گردد که «ادبیات اقتصاد نهادی در مقایسه با ادبیات نئوکلاسیکی اهمیت و تجانس بسیار بیشتری برای ساخت قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی دارند». اگرچه مرتبط‌بودن مباحث دینی و نهادی امری بدیهی می‌نماید؛ اما برای جلب توجه به ادبیات نهادی لازم است در خصوص اهمیت دستگاه تحلیلی نهادی در علم اقتصاد بحث بیشتری صورت پذیرد؛ چراکه در علم اقتصاد هم‌اکنون آموزش‌ها و پژوهش‌های نئوکلاسیکی ویژگی‌های مسیر طی شده را پیدا کرده‌اند و به دلیل اثرات شبکه‌ای ناشی از سابقه قبلی به راحتی نمی‌توان خارج از چارچوب آنها به آموزش و پژوهش اقتصاد پرداخت (Colander, /Boettke, 1996, p.1). اگر دستگاه تحلیلی نهادی ذاتاً موضوعی فرعی و حاشیه‌ای در علم اقتصاد باشد تأکید و توجه بیشتر به آن فقط متضمن ایجاد زحمت به جهت حرکت در خلاف مسیر بوده و تأثیری در بهبود وضعیت علمی اقتصاد اسلامی نیز نخواهد داشت. در این صورت اقتصاد اسلامی باید تلاش کند با حرکت در همان مسیر نئوکلاسیکی از خود پویایی بیشتری نشان دهد؛ اما اگر نهادگرایی بخش واقعاً مهم و پیشرو در علم اقتصاد باشد حرکت به سمت استفاده بیشتر از ادبیات نهادی می‌تواند باعث بهبود وضعیت علمی اقتصاد اسلامی باشد.

سیر مباحث مقاله بدین شکل است که ابتدا به صورت خلاصه به برخی تحقیقاتی که بر اهمیت مباحث نهادی در اقتصاد اسلامی تأکید داشته‌اند اشاره خواهد شد. در ادامه با بحث نظری به بررسی تطبیقی کلیات اقتصاد خرد نئوکلاسیکی و کاستی‌های آن از منظر تحلیل

نهادی - یعنی عدم توجه به تصمیم‌گیری نهادی و عدم توجه به اهمیت هزینه‌های مبادله - پرداخته و در این بین در خصوص چگونگی تجانس بین مبانی اقتصاد خردی دستگاه تحلیلی نهادی و اقتصاد اسلامی نیز بحث خواهد شد. در انتها و قبل از جمع‌بندی نیز بحثی مختصر در خصوص چالش‌های پیش روی اقتصاد اسلامی برای استفاده از دستگاه تحلیلی نهادی ارائه خواهد شد.

۱. پیشینه تحقیق

در این مقاله تلاش شده با در کنار هم قراردادن برخی مقدمات، توضیحاتی نظری برای مدعای مقاله ارائه گردد. هر کدام از این مقدمات دارای پیشینه تحقیق گسترده و خاص خود هستند؛ اما کلیت مقاله و نحوه قراردادن این مقدمات در کنار یکدیگر و نحوه بیان موضوع جدید است؛ باین‌حال پژوهش‌هایی وجود دارند که در آنها بر ادعای اصلی مقاله یعنی اهمیت رویکرد نهادی در اقتصاد اسلامی تأکید شده است که به برخی از آنها به عنوان ۹۵ شواهدی بر مدعا اشاره خواهد شد.

ابرجعفری (۱۳۸۵) مرز تمایز میان اقتصاد کلاسیک و اقتصاد اسلامی را در نهادها می‌داند و اعتقاد دارد چارچوب نهادی بستری را فراهم می‌آورد که در آن می‌توان تأثیر آموزه‌های دینی را بر عملکرد اقتصادی بررسی کرد و به ارائه راه‌حل برای مشکلات پرداخت.

معرفی (۱۳۹۴) نظم اخلاقی و مشروعیت بخش دینی را امری کیفی می‌داند که در یک نظم نهادی قابل تبلور است. از نظر وی ظهور نظم اخلاقی در نظریه‌ها و مدل‌های اقتصادی با تغییر رویکرد اقتصادی از روش‌های ریاضی به رویکردهای نهادگرایانه امکان‌پذیر است.

نظری (۱۳۹۵) با صراحت رویکرد نهادی را خاستگاه نظریه‌پردازی علمی در اقتصاد اسلامی می‌داند. رویکرد وی به این موضوع ریشه در نظریات علامه طباطبایی در خصوص اعتباریات و تعریف جان سرک از نهاد دارد و وی به دنبال اثبات وجود رابطه عینی بین قواعد شرعی (نهادهای شرعی) و واقعیات اجتماعی است. وی در سال‌های اخیر (۱۳۹۶) و در پژوهش‌های متعددی این سیر پژوهشی را دنبال کرده و در آخرین ویرایش از کتاب روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی به این موضوع پرداخته است. اضافه‌شدن کلمه نهاد به عنوان این کتاب نشان‌دهنده تأکید نویسنده بر این است که رویکرد نهادی خاستگاه نظریه‌پردازی

علمی در اقتصاد اسلامی است. به نظر می‌رسد وی نیز تجانس مباحث نهادی و اسلامی را مفروض و بدیهی در نظر گرفته و بیشتر تلاش دارد در خصوص اهمیت نهادها و عینی‌دانستن تأثیرگذاری آنها در اقتصاد بحث نماید. تأکید بیش از حد وی بر جنبه عینی نهادها (واقعیت‌های نهادی) را می‌توان ناشی از مباحث روش‌شناسی و در جواب نقدهای اثبات‌گرایانه در خصوص اقتصاد اسلامی دانست؛ این در حالی است که اصولاً خود علم اقتصاد نیز بیشتر از اینکه عینی (Objective) باشد ذهنی (Subjective) است* و نیازی به تأکید بیش از حد بر عینیت در اقتصاد اسلامی نیست.

جوشقانی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی دلالت‌های مفهوم نهاد بر مطالعات اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد ایشان نیز به صورت کلی همجنس‌بودن مباحث نهادی و اقتصاد اسلامی را امری مفروض در نظر گرفته‌اند و دلیل عدم استفاده کافی از مباحث نهادی در اقتصاد اسلامی را ناشی از ارائه ناقص مباحث نهادی در مطالعات اقتصاد اسلامی و عدم درک درست مباحث نهادی در فضای علمی کشور می‌دانند. ایشان وجود ابهام در مفهوم نهاد و عدم شناخت محققان از تطور این مفهوم در مباحث نهادی را دلیل اصلی عدم توجه جدی به مباحث نهادی در اقتصاد اسلامی می‌دانند.

موضوع هزینه‌های مبادله و تاثیر آموزه‌های اسلامی در این خصوص نیز در برخی پژوهش‌های اقتصاد اسلامی مورد بررسی واقع شده که به چند مورد اشاره می‌شود. شریف‌زاده (۱۳۹۰) با بررسی تاریخ اقتصادی صدر اسلام بیان می‌دارد یکی از اصول نظام اعمال قراردادها در اسلام، حداقل‌سازی هزینه‌های مبادله است.

صالحی و حیدری (۱۳۹۶) نیز اشاره دارند مراجعه به قواعد فقهی نشان می‌دهد اسلام ضوابط و قواعدی را در نظام مبادله خود جا داده است که در مجموع هزینه‌های مبادلات را کاهش می‌دهند.

توجه به قواعد عمومی قراردادهای مالی اسلامی نشان می‌دهد این قواعد به صورت بالقوه کاهش‌دهنده هزینه مبادلات هستند؛ هرچند این نتیجه مخالفانی نیز دارد. مخالفان ادعا دارند

*. اتریشی‌ها در خصوص ذهنی بودن علم اقتصاد مباحث مفیدی دارند؛ حتی سخنرانی دریافت نوبل هایک نیز در نقد عینیت‌گرایی افراطی در اقتصاد است.

این نتیجه مربوط به قرون ابتدایی اسلام است و اکنون به دلیل وجود محافظه‌کاری در فقه اسلامی و به دلیل عدم توجه به لزوم نهادسازی‌های نوین، آموزه‌هایی در فقه رایج امروزی وجود دارند که مناسب یک اقتصاد مدرن نبوده و در مجموع بیشتر از اینکه کاهش‌دهنده هزینه‌های مبادله باشند افزایش‌دهنده این هزینه‌ها هستند و این یکی از دلایل اصلی عقب‌ماندگی اقتصادی جهان اسلام به شمار می‌رود (Kuran, 1997)*.

۲. اهمیت رویکرد نهادگرایی در علم اقتصاد و تجانس آن برای ترکیب با آموزه‌های اسلامی

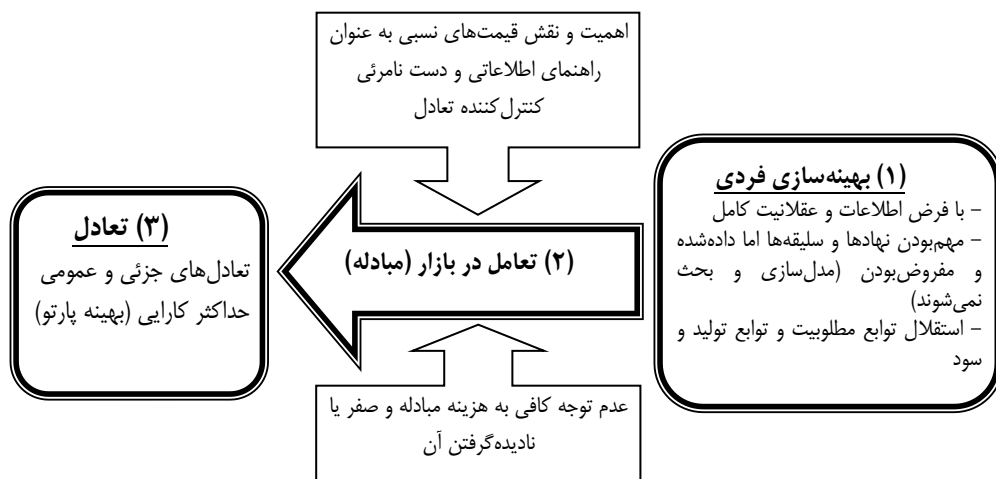
۲-۱. کلیات اقتصاد خرد نئوکلاسیکی

اقتصاد نئوکلاسیک، ارتدوکس یا جریان اصلی تعابیر دقیقی نیستند و حتی برخی این نامگذاری‌ها را غیر مفید و غلط مصطلح می‌دانند (Colander, 2000)؛ با این حال می‌توان گفت این اصطلاح به رویکرد غالب و قابل تشخیصی در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی رشته اقتصاد اشاره دارد که مبتنی بر مدل‌سازی ریاضی برای بهینه‌سازی بوده و از مهارت‌های سنجی و آماری برای اندازه‌گیری تجربی پارامترهای این مدل‌سازی استفاده می‌کند. در واقع مهم‌ترین مشخصه اقتصاد نئوکلاسیک روش شکلی این مکتب یعنی «حل مسائل اقتصادی با رویکرد مدل‌سازی» (The modelling approach to problems) یا به عبارت دیگر «مدل‌سازی ریاضی برای بهینه‌سازی مقید» است (Colander, 2000). «امروزه اگر از یک اقتصاددان جریان اصلی سؤالی در خصوص هر جنبه‌ای از زندگی اقتصادی پرسیده شود واکنش وی این‌گونه خواهد بود: بیایید وضعیت را به صورت مدل درآوریم و ببینیم چه می‌شود» (Solow, 1997, p.43). در اقتصاد خرد نئوکلاسیکی شروع مباحث با همین مدل‌سازی برای بهینه‌سازی است و در سایر شاخه‌های علم اقتصاد نیز وجود ریشه‌های

*. تیمور کوران در پژوهش‌های خود، فقه اسلامی فعلی و در نتیجه اقتصاد اسلامی را متهم به رکود و عدم پویایی می‌کند و وضعیت فعلی جوامع اسلامی را ناشی از ضعف در همین موضوع می‌داند؛ با این حال اذعان وی در خصوص کارایی نهادی فقه اسلامی در گذشته‌های دور که موجب شکوفایی اقتصاد جامعه اسلامی بوده قابل توجه و تأمل است. بررسی تفصیلی نظریات وی نیازمند بحثی مستقل است.

اقتصاد خردی به معنای در نظر گرفتن تابع هدف و محدودیت‌ها و انجام بهینه‌سازی مربوط به آن است. با یک سری فروض خاص، الگوهای تعادل عمومی به خوبی نشان می‌دهند. نفع‌طلبی فردی عاملان اقتصادی (بهینه‌سازی فردی خانوارها و بنگاه‌های حداکثرکننده) چگونه منجر به تعادل با ویژگی حداکثر کارایی ممکن (بهینه پارتو) می‌شود. ساختار اصلی این مدل‌سازی نئوکلاسیکی به صورت خلاصه در شکل (۱) آورده شده است. اقتصاد خرد رایج، ادبیات علمی است که این ساختار اساسی را بررسی کرده و ویژگی‌های عینی آن را قابل محاسبه می‌سازد. بحث در خصوص قیمت و اثرات تغییر قیمت، استخراج توابع تقاضا، سود، هزینه، انواع کشش‌ها و ... که عمدتاً ماهیتی ریاضی داشته و مبتنی بر متغیرهایی از جنس قیمت و مقدار هستند ادبیات اصلی اقتصاد خرد را تشکیل می‌دهد. اقتصادسنجی و آمار، ابزارهایی برای بررسی ویژگی‌های عینی و محاسبه عملیاتی و تخمین پارامترهای اجزای این مدل تعادلی هستند. در این الگو مباحثی همچون شکست بازار، اقتصاد اطلاعات، نظریه قرارداد، اقتصاد هزینه مبادله، اقتصاد رفتاری و نهادها معمولاً در حاشیه و تا حدود زیادی به عنوان استثنا بر اصل مطرح می‌شوند.

شکل ۱: ساختار اساسی اقتصاد خرد نئوکلاسیکی



اهمیت مبادله: در این مدل‌سازی هرگونه نقص در بیشینه‌سازی فردی و دوری از بهینه پارتو از طریق مبادله جبران شده و دوباره بهینه پارتو برقرار می‌شود. با این حال هزینه مبادله، با وجود اهمیت، مورد بحث جدی قرار نمی‌گیرد.

منبع: یافته‌های تحقیق.

رونالد کوز این ساختار اقتصاد خرد را «تلاش برای فرموله کردن نظریات آدم/اسمیت» می‌داند که نتایج هوشمندانه زیادی داشته است؛ اما کامل نیست. این ساختار علمی که «نظریه قیمت» نامیده می‌شود با تمرکز زیاد بر روی قیمت‌ها نسبت به بسیاری از دیگر جنبه‌های مهم اقتصادی غفلت دارد (Coase, 1992, pp.713-714). برای رسیدن به مدل قابل بیان و قابل تدریس، شرایط و فروض خاصی نیز در این ساختار مدنظر قرار می‌گیرند. فرض اطلاعات و عقلانیت کامل، استقلال توابع مطلوبیت و توابع تولید و سود، به صورت ضمنی نادیده گرفتن هزینه مبادله و تأکید بر اهمیت نهادها ولی کنار نهادن آنها در هنگام مدل‌سازی از جمله فرضیات و رویکردهایی هستند که مدل‌سازی اصلی اقتصاد خرد بر اساس آنها صورت می‌گیرد. در این مدل‌سازی از توابع مطلوبیت و توابع سود شروع کرده و بحث کاملاً نظام‌مند و منسجم به تعادل کارا ختم می‌شود. امروزه در شاخه اقتصاد کلان نیز مباحث و مدل‌سازی‌ها از بهینه‌سازی عاملان اقتصادی شروع و به مدل‌های تعادل عمومی ختم می‌شود و تمام موضوعات جانبی نیز از طریق همین بهینه‌سازی و تحلیل حساسیت تعادل به دست آمده مورد بررسی قرار می‌گیرند.*

نقدهای گوناگونی بر این نوع نگاه تعادلی مطرح شده‌اند؛** با این حال عده‌ای از محققان در تلاش برای توضیح مبانی خرد اقتصاد اسلامی سعی کرده‌اند این مدل‌ها و مباحث ریاضی را با ورود یک سری قیود اضافی و یا با تغییراتی در توابع هدف، اسلامی کنند.*** به نظر نمی‌رسد این نوع اسلامی کردن اقتصاد خرد که البته نیازمند دانش و حاصل تسلط بر مدل‌سازی‌های نئوکلاسیکی و سعی در تعدیل آنهاست ظرفیت خیلی زیادی برای اقتصاد اسلامی ایجاد کرده باشد. در اقتصاد خرد نئوکلاسیکی امکان پذیرش آموزه‌های اسلامی وجود دارد؛ اما به دلیل غلبه جنبه ریاضی و آماری باید آنها را «داده‌شده» و مفروض در نظر

*. این رویکرد در کتاب‌های درسی اقتصاد کلان مانند اقتصاد کلان رومر به خوبی قابل مشاهده است.

** کرمی (۱۳۸۹) خلاصه مفیدی از این انتقادات را در کنار هم گردآورده است. قوی‌ترین نقدها در این خصوص را می‌توان در مباحث اقتصاد اتریشی مشاهده نمود.

*** در کتاب‌های اقتصاد خرد با نگرش اسلامی می‌توان نتایج و مدل‌سازی‌های این نوع پژوهش‌ها را به شکل مدون مشاهده نمود. ر.ک: انصاری و همکاران (۱۳۷۸) و رجایی (۱۳۹۱). در خصوص نقد این رویکرد نیز ر.ک: زاهدی وفا و همکاران (۱۳۹۵).

گرفت و این سبب می‌شود اقتصاد اسلامی از همان ابتدا منفعل متولد شود. این وضعیت فقط مخصوص اقتصاد اسلامی نیست بلکه در خصوص اقتصاد نهادی نیز صادق است. تعامل الگوی نئوکلاسیکی با نهادها نیز بدین گونه است که نهادها مهم هستند؛ اما داده‌شده در نظر گرفته می‌شوند چراکه مدل‌سازی‌هایی که متغیرهای اصلی آنها از جنس قیمت و مقدار است نمی‌توانند به خوبی اهمیت و نقش نهادها را در نظر بگیرند. در مجموع چالش مهمی در این خصوص وجود دارد. از یک طرف نگاه به آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد این آموزه‌ها پر از مباحث اقتصادی به معنای عرفی هستند و از طرف دیگر به‌سختی می‌توان به صورت فعال این آموزه‌ها را در مدل‌سازی‌های اقتصادی رایج که مبتنی بر بهینه‌سازی هستند وارد کرد.

۲-۲. کنارگذاشتن فروض نئوکلاسیکی و ایجاد فضا برای آموزه‌های اسلامی

مباحث اقتصاد خرد با این موضوع شروع می‌شود که نحوه تصمیم‌گیری انسان‌ها چگونه است یا به عبارت صحیح‌تر چگونه باید باشد* و در ادامه نیز همین موضوع مدل‌سازی ریاضی می‌شود. در این مدل افراد بر اساس بهینه‌سازی مداوم تصمیم‌گیری می‌کنند و نقش اصلی و اساسی با همین بهینه‌سازی است؛ اما اگر بر اساس ادبیات اقتصاد نهادی و اقتصاد رفتاری نحوه تصمیم‌گیری انسان‌ها بررسی شود به این واقعیت پرداخته می‌شود که به دلایل عصب‌شناختی و رفتاری، تصمیم‌گیری‌ها حالت ترکیبی (نهادی - بهینه‌سازی) داشته و افراد بیشتر از اینکه بر اساس بهینه‌سازی مستقیم و لحظه‌ای تصمیم‌گیری کنند بر اساس عادات و الگوهای تصمیم‌گیری از قبل موجود عمل می‌کنند. توجه به همین موضوع خود فضایی برای ورود آموزه‌های اسلامی است؛ چراکه در آموزه‌های اسلامی نیز ضمن پذیرش بهینه‌سازی، تأکید اصلی بر تصمیم‌گیری‌های نهادی - یعنی رفتار بر اساس عادات و قواعد منبعت از دین - می‌باشد. باید توجه نمود بخش عمده رفتارهای تمام انسان‌ها - اعم از مسلمان واقعی، مسلمان ظاهری، پیروان انواع ادیان الهی و غیر الهی و حتی آنهایی که خود

*. بر خلاف تصور رایج، اقتصاد خرد نئوکلاسیک بیشتر از آنکه مربوط به هست‌ها باشد مربوط به باید‌ها بوده و بیشتر از آنکه اثباتی باشد، جنبه‌هنجاری دارد. بر اساس یافته‌های اقتصاد رفتاری به‌خوبی می‌توان این موضوع و جوانب آن را شرح داد.

را بی‌دین می‌دانند - نهادی و در معنای عام، رفتاری دینی است. اصولاً ساختار عصب‌شناختی ذهن به گونه‌ای است که نمی‌تواند به طور دائم مشغول بهینه‌سازی مستقیم باشد و در هر فردی این تمایل ذاتی وجود دارد که بخش عمده رفتارها بر اساس عادات و قواعد راهبری شوند و مسئله اصلی تصمیم‌گیری این است که از «کدام» عادات و قواعد استفاده شود.

یکی از فروض ساده‌کننده نئوکلاسیکی، عقلانیت (Rationality) و اطلاعات کامل است. تأکید بر این فرض دیگر جای چندانی برای ورود دین به تصمیم‌گیری باقی نمی‌گذارد. تصور کنید اگر فردی دارای عقلانیت و اطلاعات کامل در خصوص نفع‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خویش باشد و ابزار و روش‌های رسیدن به این نفع‌ها را نیز به طور کامل بشناسد در هر لحظه می‌تواند با حل یک مسئله بهینه‌سازی بهترین تصمیم را بگیرد و دیگر نیازی به هیچ نهاد کنترل‌کننده رفتار و از جمله نهاد دین نیست. با فرض عقلانیت و اطلاعات کامل، دیگر نیازی به دین نداریم و اقتصاد اسلامی نیز ترکیب نادرستی خواهد بود؛ چراکه بخش اول این ترکیب یعنی اقتصاد، متضمن تصمیم‌گیری فردی مبتنی بر بهینه‌سازی است و بخش دوم دقیقاً خلاف این مسئله و مبتنی بر تصمیم‌گیری بر اساس روش‌های از قبل توصیه‌شده می‌باشد، مدل‌سازی این ترکیب نامتجانس بسیار دشوار خواهد بود.* در مجموع هرچه به فرض عقلانیت و اطلاعات کامل نزدیک می‌شویم ترکیب اقتصاد اسلامی نامتجانس‌تر می‌شود و هر چه از این فرض دور می‌شویم جای بیشتری برای ساخت این ترکیب فراهم می‌شود. نهادها نیز دقیقاً همین وضعیت را دارند؛ یعنی هرچه از فرض عقلانیت و اطلاعات کامل دور می‌شویم نهادها اهمیت یافته و دارای کارکرد می‌شوند. روی دیگر سکه در بحث اطلاعات کامل، موضوع هزینه مبادله صفر است. اطلاعات را کم‌وبیش با صرف هزینه می‌توان به دست آورد و مهم‌ترین عنصر هزینه‌های مبادله، عنصر اطلاعات و حواشی آن است. هزینه مبادله نیز در مدل‌سازی نئوکلاسیکی

*. مگر فرض شود که جواب بهینه‌سازی فردی دقیقاً جواب از قبل معلوم دین باشد؛ یعنی مثلاً دنیایی را تصور کرد که چشم دل تمام افراد کاملاً بیناست و نتایج هر انتخابی به صورت عینی دیده می‌شود و عجله و کوتاه‌بینی و وسوسه در آن وجود ندارد.

مورد کم توجهی می‌باشد و این در حالی است که نظریه‌های اقتصادی مبتنی بر غیر صفر بودن هزینه‌های مبادله ظرفیت بسیاری برای ترکیب با آموزه‌های اسلامی دارند. باید توجه شود تأکید بر رویکرد نهادی به معنای کنار گذاشتن آموزش مدل‌سازی‌های مفید نئوکلاسیکی نیست بلکه به معنای فراتر رفتن از دایره ادبیات اقتصاد نئوکلاسیکی و مجهز شدن به ابزارهای تحلیلی تکمیلی است. بررسی مباحث روز علم اقتصاد در سطح جهانی نیز نشان می‌دهد در سال‌های اخیر به رویکردهای غیر نئوکلاسیکی و مباحث ویژه ناشی از نقض فروض نئوکلاسیکی توجه زیادی صورت می‌گیرد. امروزه محدودیت‌های اقتصاد نئوکلاسیکی به صورت گسترده‌ای تشخیص داده شده‌اند و خود جریان اصلی نیز تا حدود زیادی درگیر بررسی و رفع این محدودیت‌ها می‌باشد. تحقیقات دانشگاهی که به روش‌های گوناگون به این محدودیت‌ها می‌پردازند فراوان و در حال رشد هستند (Joskow, 2008, p.4).

اما متأسفانه نظام آموزش اقتصاد در ایران نسبت به این موضوعات توجه کافی نداشته و این موضوعات مهم و مناسب برای ساخت ادبیات اقتصاد اسلامی تا حدود زیادی در حاشیه آموزش رسمی اقتصاد قرار دارند. در واقع نقص در آموزش رسمی اقتصاد به آموزش اقتصاد اسلامی نیز سرایت کرده است و دوره‌های آموزش اقتصاد اسلامی نیز خیلی فراتر از مدل‌های رسمی نئوکلاسیکی نمی‌روند و برنامه‌ریزی مؤثری برای تجهیز دانشجویان و پژوهشگران به ادبیات و نگرش‌های سایر مکاتب اقتصادی و مخصوصاً ادبیات نهادی وجود ندارد. این عدم تجانس در آموزش باعث دوگانگی در اقتصاد اسلامی شده است و دانشجویان نمی‌توانند به راحتی ارتباط مباحث اقتصادی و مباحث اسلامی را درک کنند. در ادامه برای شرح اهمیت مباحث نهادی - از جنبه اقتصاد خرد - به بررسی دو موضوع اساسی یعنی «تصمیم‌گیری نهادی» و «مبادله و هزینه‌های مبادله» پرداخته خواهد شد.

۲-۳. اهمیت تصمیم‌گیری نهادی در اقتصاد

ادبیات نهادگرایی بسیار گسترده است* و تعابیر مختلفی از نهادها و تصمیم‌گیری نهادی در این ادبیات وجود دارد. در مقایسه با اقتصاد نئوکلاسیک در اقتصاد نهادی شاهد نظریه ریاضی و مدل اقتصاد خردی منسجم و تکامل‌یافته‌ای نیستیم و مبانی خرد نهادگرایی قلمرو بسیار مهمی است که جای زیادی برای توسعه دارد (Hodgson, 1998, p.174); با این حال می‌توان یک وجه مشترک برای تعریف نهادها پیدا نموده و بر اساس آن مباحث اقتصاد خرد با رویکرد نهادی را شرح داد. مهم‌ترین وجه مشترک مباحث اقتصاد خرد نهادی که بر اساس آن می‌توان تفاوت اقتصاد خرد نهادی و اقتصاد خرد نئوکلاسیک را توضیح داد، موضوع «تصمیم‌گیری بر اساس عادات و الگوهای از قبل معلوم و بدون بهینه‌سازی مستقیم»** است (Hodgson, 1998). در اقتصاد عصب‌شناختی و در اقتصاد رفتاری این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که ذهن انسان در بیشتر مواقع فعالیتی مانند روند حل

۱۰۴

*. با توجه به محدودیت حجم مقاله، امکان اشاره تفصیلی به این ادبیات نیست. Rutherford (2001)

شرحی خلاصه، بسیار مفید و قابل توصیه از این ادبیات دارد. Hodgson (1998) نیز منبع مفیدی در این زمینه است. برای مشاهده ترجمه هر دوی این مقالات ر.ک: متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹. متوسلی و همکاران (۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵) ترجمه مجموعه‌ای از مقالات اقتصاد نهادی را جمع‌آوری کرده‌اند و در مقدمه هر کتاب نیز شرح مبسوطی ارائه نموده‌اند. البته با توجه به برخی نواقص موجود در این ترجمه‌ها در بسیاری موارد لازم است به اصل مقالات نیز مراجعه شود.

** توجیه به عادات و قواعد در اکثر منابع نهادی دیده می‌شود؛ اما ایده جداکردن سطح تحلیل نهادی از بهینه‌سازی نئوکلاسیکی مربوط به الیور ویلیامسون (نوبل ۲۰۰۹) است. چهار سطح تحلیل مورد اشاره ویلیامسون چارچوب اولیه بسیار مناسبی برای شروع و طبقه‌بندی مباحث نهادی می‌باشد (Williamson, 2000). البته توجه به عادات و الگوهای جمعی در مباحث نهادگرایی بسیار پررنگ‌تر از جنبه فردی است به گونه‌ای که عموماً نهاد را در معنای اجتماعی آن تصور می‌کنند. بر خلاف دیدگاه رایج و بر اساس مباحث شناختی و رفتاری می‌توان نهاد با جنبه فردی را نیز مدنظر قرار داد؛ یعنی ساختار عصب‌شناختی ذهن به گونه‌ای است که یک فرد تنها (رایبسون کروزوئه حتی با فرض عدم برخورداری از هیچ‌گونه آموزش قبلی) پس از مدتی و با کسب تجربه و بازخورد از محیط، بر اساس عادت و الگوهای از قبل معلوم عمل خواهد کرد و چنانچه افرادی به وی بپیوندند این عادات و الگوها را می‌تواند به آنها نیز انتقال دهد.

مسئله بهینه‌سازی در مدل اقتصاد خرد نئوکلاسیکی ندارد. بر اساس این شواهد سیستم تفکر انسان حالتی دوگانه دارد که با عناوین سیستم ۱ (تفکر سریع، غیر دقیق و با مصرف انرژی کم) و سیستم ۲ (تفکر آهسته، دقیق و با مصرف انرژی بالا) دسته‌بندی می‌شود. بهینه‌سازی نئوکلاسیکی مبتنی بر به‌کارگیری تفکر دقیق یعنی سیستم ۲ است. نتایج آزمایش‌های رفتاری نشان داده به دلایلی انسان‌ها از به‌کارگیری مداوم سیستم ۲ تنفر دارند و به جز موارد خاص، زندگی عادی از طریق سیستم ۱ راهبری می‌شود.* می‌توان تصور کرد تشکیل مداوم مسئله بهینه‌سازی - حتی اگر اطلاعات آن در دسترس باشد - مورد تنفر ذهن آدمی است و به دلیل همین تنفر از محاسبه، تصمیم‌گیری واقعی و انتخاب انسان‌ها در اکثر موارد مبتنی بر روش تشکیل مسئله بهینه‌سازی و حل آن نیست بلکه ذهن ما ترجیح می‌دهد در اکثر مواقع، تصمیم‌گیری را بر اساس قواعد و الگوهای نهادی انجام دهد. «تصمیم‌گیری نهادی» را تا حدود زیادی می‌توان «بهینه‌سازی غیر مستقیم و بلندمدت» عاملان اقتصادی بر اساس شرایط دنیای واقعی نیز در نظر گرفت، شرایطی که مبتنی بر نااطمینانی، نقص اطلاعات، عقلانیت محدود و هزینه مبادله غیر صفر است.**

عاملان اقتصادی هرگاه اطلاعات کافی برای بهینه‌سازی در اختیار داشته باشند بهینه‌سازی مستقیم انجام می‌دهند؛ اما اگر به دلایل مختلف هزینه بهینه‌سازی بالا باشد ممکن است تقلید از دیگران، تقلید از دستورالعمل‌های از قبل موجود یا حتی تکرار الگوهای فردی قبلاً امتحان‌شده به صرفه‌تر باشد. بررسی دنیای واقعی نشان می‌دهد عمده تصمیمات اقتصادی به صورت نهادی و نه به روش «بهینه‌سازی مستقیم مبتنی بر قیمت و مقدار» اخذ می‌شوند. در این زمینه مباحث گسترده‌ای وجود دارند که در منابع مربوط به نهادگرایی و اقتصاد هزینه مبادله مورد بحث واقع می‌شوند (Williamson, 2005b & Hodgson, 2006)؛ اما آنچه مربوط به بحث ما می‌باشد موضوع اهمیت عملیاتی نهادها و انتزاعی‌بودن بهینه‌سازی مستقیم در نظریه اقتصاد خرد می‌باشد. عاملان اقتصادی در

*. برای مطالعه تفصیلی در این خصوص ر.ک: کانمن، ۱۳۹۴.

** این رویکرد مشخصه اصلی نهادگرایی جدید است که البته انتقاداتی نیز نسبت به عدم جامعیت آن مطرح می‌شود.

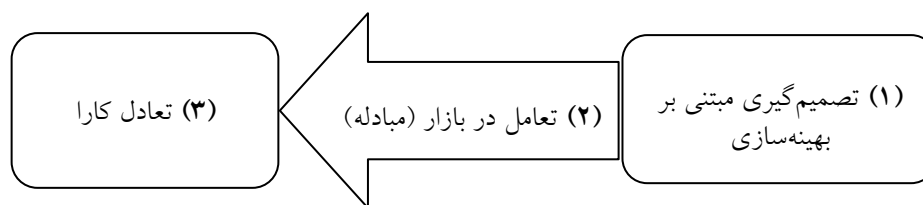
نفع‌طلبی یا به عبارت دیگر در بهینه‌سازی، مشابه یکدیگر هستند و آنچه که تفاوت وضعیت اقتصادی افراد و جوامع را توضیح می‌دهد تفاوت در همین نهادها یعنی عادات و الگوهای منظم و از قبل معلوم - شامل قواعد عرفی و قانونی و همچنین نظم‌های سازمانی - است. با وجود اهمیت تصمیم‌گیری نهادی و تطابق بیشتر آن با واقعیت به دلیل سخت‌بودن مدل‌سازی ریاضی تصمیم‌گیری نهادی، اقتصاد خرد نئوکلاسیک نهادها را به شکل برون‌زا مورد بررسی قرار می‌دهد. نهادها در نگاه نئوکلاسیکی اگرچه مهم اما داده‌شده و برون‌زا بوده و این بهینه‌سازی است که باید مورد مدل‌سازی و بحث واقع شود؛ اما در نگاه نهادی می‌توان به صورت معکوس این مسئله را بررسی کرد و با رویکردی متفاوت می‌توان جای «بهینه‌سازی» و «نهادها» را در نظریه‌پردازی اقتصادی عوض کرد. در این رویکرد می‌توان «بهینه‌سازی» را مهم اما داده‌شده و برون‌زا در نظر گرفت و «نهادها» (قواعد و نظم‌ها) را در مرکز بحث قرار داد. این رویکرد نهادی، قدرت بالایی از توضیح‌دهندگی و پیش‌بینی علمی داشته و بستر مناسبی برای ترکیب با آموزه‌های اسلامی و ساخت اقتصاد اسلامی فراهم می‌آورد. البته با توجه به مزایای خاص رویکرد نئوکلاسیکی، علم اقتصاد مدرن و همچنین اقتصاد اسلامی در نهایت باید شامل هر دو رویکرد باشد (تحلیل‌های نئوکلاسیکی و نهادی هر دو حالت ابزار خواهند داشت و مکمل یکدیگر خواهند بود).

باید توجه داشت اقتصاد نئوکلاسیک در مدل‌سازی ریاضی بهینه‌سازی کاملاً موفق بوده است این مدل‌سازی شروع و پایان مشخصی داشته و از نظم منطقی خوبی برخوردار است، به خوبی نیز قابل شرح و آموزش است. در واقع تدوین و تکمیل این مدل‌سازی ریاضی، پیشرفت علمی ارزشمندی است که زاویه نگرش مفیدی برای بررسی فعالیت‌های اقتصادی بشر فراهم می‌سازد؛ اما اصرار و تأکید صرف بر جنبه‌های ریاضی و محاسباتی این رویکرد و نادیده گرفتن سایر موضوعات مهم، عدم کارایی علمی را در پی داشته است. نظام آموزشی اقتصاد تا حدود زیادی بر همین نگرش ریاضی و تکرار چندباره آن در سطوح مختلف تحصیلی، متمرکز است که موجب غفلت از سایر روش‌های بررسی موضوع تصمیم‌گیری اقتصادی شده است. فروض نئوکلاسیکی، مدل‌سازی را بسیار ساده می‌سازد؛ اما توجه به تصمیم‌گیری نهادی که مبتنی بر نقض این فروض ساده‌کننده نئوکلاسیکی است مدل‌سازی را دشوار می‌سازد. داشتن مدل‌های منسجم و ساده ریاضی مزیت مهمی است؛

اما نداشتن مدل منسجم ریاضی چیزی از اهمیت نهادها و تصمیم‌گیری نهادی کم نمی‌کند. پیشروی و تکامل اقتصاد خرد در این است که مبتنی بر فروض واقعی یعنی نقص ذاتی اطلاعات، عقلانیت محدود و هزینه مبادله غیر صفر بنا شود و اهمیت تصمیم‌گیری نهادی و اهمیت هزینه‌های مبادله در مباحث آن دیده شود. اگر این‌گونه باشد در مرکز نظریه‌پردازی اقتصادی، سنخیت و فضای بسیار بیشتری برای مباحث اقتصاد اسلامی وجود خواهد داشت؛ چراکه بخش زیادی از آموزه‌های اقتصادی اسلام ماهیت نهادی داشته و الگوها و عادت‌هایی را برای تصمیم‌گیری اقتصادی توصیه می‌کنند که از جنس محاسبه و ریاضی نبوده بلکه از جنس نهاد و از جنس باید و نباید هستند.

۲-۴. اهمیت مبادله در اقتصاد و اهمیت نهادها از جنبه کاهش هزینه مبادلات

خلاصه ساختار اصلی اقتصاد خرد متعارف که مبتنی بر بهینه‌سازی، تعامل در بازار و در نهایت ایجاد تعادل کاراست مجدداً در شکل ۲ نمایش داده شده است. بحث شد که در دنیای واقعی، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بیشتر از اینکه مبتنی بر بهینه‌سازی مستقیم باشند مبتنی بر عادات و الگوهای نهادی از قبل مشخص هستند؛ اما همان‌گونه که در قسمت ۱ از شکل ۲ آمده است مرکز بحث در مدل‌سازی اقتصاد خرد نئوکلاسیکی، بهینه‌سازی مستقیم بوده و تصمیم‌گیری نهادی که تجانس بیشتری نیز برای ساخت ادبیات اقتصاد اسلامی دارد در حاشیه می‌باشد.



شکل شماره ۲: خلاصه ساختار اقتصاد خرد نئوکلاسیکی

اما نهادها علاوه بر شکل‌دهی به تصمیمات افراد، تسهیل‌کننده مبادله بین افراد نیز هستند. اگرچه در حال حاضر بهینه‌سازی مرکز مباحث اقتصاد خرد است؛ اما می‌توان بحث نمود که مبادله - و در نتیجه نهادسازی برای تسهیل مبادلات - موضوعی مهم‌تر بوده و می‌تواند به جای بهینه‌سازی یا حداقل در کنار آن، مرکز توجه نظریه‌پردازی اقتصادی باشد.

مبادله در این جایگاه معنایی عام دارد و فقط محدود به مبادلات در بستر بازار نیست؛ بلکه شامل تمام مبادلات چه بازاری و چه غیر بازاری می‌باشد.* در اقتصاد خرد متعارف با استفاده از جعبه اجورث به‌خوبی نشان داده می‌شود مبادله بین عاملان اقتصادی موجب حرکت به سمت تعادل بهینه پارتو خواهد بود؛ اما در این تحلیل، بستر نهادی و امکان مبادله مفروض در نظر گرفته شده و توجه کافی به موضوع هزینه مبادله به عنوان مانع بالقوه مبادلات نمی‌شود (Olsson, 1999, pp.7-10). در واقع بر خلاف شرایط دنیای واقعی که تمام کالاها و منابع با کمیابی مواجه‌اند، کمیابی نهادهای تسهیل‌کننده مبادله مورد غفلت واقع می‌شود (Bowles, 2004, pp.8-9). در الگوی نئوکلاسیکی، مبادله و مخصوصاً نهاد بازار به عنوان یک بستر مهم برای مبادلات، آن‌گونه که شایسته است مورد بررسی قرار نگرفته و هزینه‌های مبادله برای سادگی صفر یا نادیده در نظر گرفته می‌شوند؛ اما در اقتصاد نهادگرایی جدید و در اقتصاد اتریشی مبادله و هزینه‌های مبادله جایگاه ویژه‌ای در نظریه‌پردازی دارند به‌گونه‌ای که می‌توانند ریشه مباحث اقتصاد خرد و مرکز نظریه‌پردازی اقتصادی محسوب شوند. در نهادگرایی جدید، موضوع مبادله و هزینه مبادله، شباهت زیادی به رویکرد نئوکلاسیکی دارد و فقط جایگاه آن در فرآیند بهینه‌سازی برجسته می‌شود؛ اما در اقتصاد اتریشی، مبادله به‌گونه‌ای متفاوت از اقتصاد نئوکلاسیک مورد توجه قرار می‌گیرد. در مجموع اهمیت ویژه مبادله را از دو جنبه می‌توان بررسی نمود:

الف) اهمیت از دید تولید اجتماعی: همکاری بین انسان‌ها منجر به صرفه‌های بسیار فزاینده می‌شود. در مقایسه با تولید فردی مستقل، این صرفه‌ها آن‌قدر زیاد و قابل توجه است که عواید ناشی از «بهینه‌سازی فردی کاملاً مستقل» به عنوان واحد اصلی و ساده‌شده مدل‌سازی در اقتصاد نئوکلاسیکی، در مقابل این صرفه‌های کار جمعی بسیار ناچیز و کم

*. در یک اقتصاد بازاری (مشابه ایالات متحده و یا هر اقتصاد مشهور به بازاری) بر خلاف تصور اولیه بخش عمده مبادلات، غیر بازاری هستند (McMilan, 2002, p.6). چرایی این واقعیت و مقایسه این وضعیت در اقتصاد بازار محور یا مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز، در شاخه اقتصاد هزینه مبادله مورد بررسی قرار می‌گیرد. اقتصاد هزینه مبادله به‌خوبی نشان می‌دهد «بازار» و «سلسله مراتب غیر بازاری» حالت ابزار دارند و بهینه‌سازی حکم می‌کند در هر مورد خاص هر کدام که به‌صرفه‌تر باشد مورد استفاده قرار گیرد. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ویلیامسون (2005a & 2005b).

اهمیت خواهد بود. این موضوع از زمان انتشار کتاب ثروت ملل کاملاً برجسته شده است که رمز و علت ثروت ملل عبارت است از: «تولید انبوه اجتماعی مبتنی بر تخصص‌گرایی و تقسیم کار». کمیت تولید و مصرف انبوه اجتماعی در مقایسه با تولید و مصرف فردی، دو برابر یا حتی ده برابر نیست؛ بلکه صدها برابر است*؛ اما این تقسیم کار و همکاری اجتماعی فقط بر اساس مبادله بین انسان‌ها قابل شکل‌گیری بوده و مبادله در مرکز این نوع تولید و مصرف انبوه قرار دارد. در یک اقتصاد مدرن در پشت سر هر محصول نهایی، زنجیره‌ای به هم پیوسته و در هم پیچیده از مبادلات و همکاری‌های اجتماعی وجود دارد و بدون وجود این زنجیره، امکان تولید انبوه با کارایی بالا وجود ندارد. نتیجه تولید نیز به دلیل بیشتر بودن از نیاز فردی باید از طریق مبادله تقسیم شود، اگر این مبادله توزیعی به شکل کارا قابل انجام نباشد مبادلات تولیدی نیز شکل نمی‌گیرند. بحث را این‌گونه نیز می‌توان بیان نمود که افراد به دنبال افزایش ثروت و رفاه هستند (فرض بهینه‌سازی) و بخش عمده این ثروت و رفاه از طریق مبادله (همکاری اجتماعی) به دست می‌آید، حال اگر بر راه مبادلات مانع وجود داشته باشد (هزینه‌های بالای مبادله) بهینه‌سازی این افراد بسیار محدود بوده و قادر به رسیدن به حداکثر ثروت و رفاه قابل تصور نخواهند بود. ادبیات بهبود فضای کسب‌وکار نیز تا حدود زیادی بر همین نگرش استوار است؛ یعنی با حذف موانع، زنجیره تولید ارزش افزوده توسط افراد شکل خواهد گرفت. در واقع شاید کارکرد اصلی علم اقتصاد، نظریه‌پردازی برای چگونگی حذف موانع و کاهش هزینه‌های مبادله است و بررسی‌های فنی و آماری قیمت - مقدار در خصوص تعادل‌های به دست آمده در مرحله بعدی اهمیت می‌یابند. به نظر می‌رسد فقه اقتصادی و آموزه‌های اخلاقی - اقتصادی اسلام نیز تا حدود زیادی از جنس همین نگرش کیفی می‌باشند که از نظر عملیاتی کاهش هزینه‌های مبادله را در پی دارند. جامعه مدرن اقتصادی آن جامعه‌ای است که امکان انواع مبادله و همکاری‌های اجتماعی را قبل و بعد از تولید برای افراد آن جامعه فراهم می‌آورد؛ برای این منظور تمام نهادها باید در راستای کاهش هزینه مبادله عمل کنند.

*. در خصوص «کیفیت» این نوع تولید و مصرف انتقاداتی هست که اسمیت نیز اشاراتی به این موضوع دارد.

مفهوم سرمایه اجتماعی نیز در همین راستاست. با جلب توجه به اهمیت مبادله در دنیای واقعی، دیگر مسئله اساسی و مهم اقتصاد فقط مدل‌سازی نحوه بهینه‌سازی فردی (قسمت ۱ در شکل شماره ۲) نیست بلکه بحث درباره قسمت ۲ یعنی مبادلات خواهد بود؛ چراکه عمده ثروت و رفاه بشری زاینده این قسمت و مربوط به زندگی اجتماعی وی است. در واقع مشابه با بحث تصمیم‌گیری نهادی می‌توان بهینه‌سازی را مفروض در نظر گرفت و مسئله اصلی اقتصاد را فراهم آوردن زمینه همکاری انسان‌ها دانست. بهینه‌سازی نئوکلاسیکی امری نسبتاً فرضی و انتزاعی و حتی مورد مناقشه است؛ اما مبادله بین انسان‌ها امری عملیاتی بوده و به دلیل بازدهی‌های بسیار بالا لازم است بحث در خصوص مبادله و حواشی آن در مرکز علم اقتصاد قرار گیرد.

ب) اهمیت مبادله از دید نقص اطلاعات و محاسبه‌ناپذیری اقتصاد: در این دیدگاه که در اقتصاد اتریشی توجه ویژه‌ای به آن می‌شود اهمیت مبادله از طریق توجه به موضوع اطلاعات برجسته می‌گردد. در این نگاه بحث می‌شود که مسئله اصلی اقتصاد در دنیای پیچیده واقعی حل مسئله بهینه‌سازی نیست بلکه موضوع و مشکل اصلی اساساً خود تشکیل مسئله و نبود اطلاعات کامل برای تشکیل مسئله است. یک مسئله ریاضی به محض تشکیل، حل شده خواهد بود؛ چراکه راه‌حل در دل خود مسئله و شکل‌دهی مناسب آن می‌باشد. قدرت مدل‌سازی نئوکلاسیکی در حل فنی و ریاضی این مسئله است که البته علم خاص و مفیدی به شمار می‌رود؛ ولی در واقع این موضوعی فرعی است. پیچیدگی بیش از حد دنیای واقعی، در دسترس نبودن اطلاعات و تغییرات مداوم اطلاعات در دسترس تا حدود زیادی موجب محاسبه‌ناپذیری دنیای اقتصادی می‌شود و این باعث می‌شود بر خلاف فرضیات اقتصاد خرد متعارف، عواملان اقتصادی، تابعی پیوسته و شناخته‌شده برای بهینه‌سازی در اختیار نداشته باشند و تشکیل مسئله بهینه‌سازی با ویژگی‌های کامل نئوکلاسیکی ممکن نباشد.* نتیجه بحث این خواهد بود که بهینه‌سازی (قسمت ۱ در شکل

*. یک جواب ارائه شده برای این نقد، مقایسه اقتصاد خرد نئوکلاسیکی با قواعد دستور زبان است؛ یعنی اگرچه افراد توجهی به علم دستور زبان ندارند؛ اما این علم وجود دارد و دارای فایده است در اقتصاد نیز اگرچه افراد نمی‌توانند بهینه‌سازی کنند؛ اما قواعد بهینه‌سازی و مدل اقتصاد خرد نئوکلاسیکی وجود داشته و فایده‌مند می‌باشد. کانمن (۱۳۹۴، ص ۱۰) در توضیح کلیات اقتصاد رفتاری بیان می‌دارد که

۲) اصولاً ناممکن و یا کم اهمیت می‌شود. بر این اساس موضوع اصلی اقتصاد، قسمت ۲ این شکل یعنی مبادله خواهد بود؛ یعنی آنچه به صورت تدریجی و تکاملی موجب افزایش مداوم کارایی و ثروت می‌شود. در این نگاه متفاوت که از آن به عنوان علم مبادله یا کاتالاکسی (Catalaxy) نیز نام برده می‌شود، ثروت ملل ناشی از بهینه‌سازی مبتنی بر اطلاعات کامل و یک وضعیت تعادلی نیست بلکه ناشی از ایجاد مازادهای کوچک اما مداوم مربوط به مبادلات بوده و روندی تکاملی به شمار می‌رود. بهینه‌سازی ریاضی امری نسبتاً انتزاعی با کاربردهای خاص خودش است؛ اما واقعیت زندگی روزمره انسان‌ها و مهم‌ترین ابزاری که می‌تواند ناکارایی‌های ناشی از نقص گسترده اطلاعات و نقص در بهینه‌سازی کامل را جبران کند و انسان‌ها را به هدف کارایی برساند فرآیند مبادله است.* چه از جنبه تولید اجتماعی و چه از جنبه محاسبه‌ناپذیری اقتصاد این واقعیت به دست می‌آید که «توجه به منافع حاصل از مبادله داوطلبانه، بنیادی‌ترین موضوع علم اقتصاد است» و لذا می‌توان علم اقتصاد را به عنوان علم مبادله تعریف نمود* (Buchanan, 2001, pp.28-29).

پژوهش‌های اقتصاد رفتاری به دنبال بررسی این سؤال هستند که آیا انسان‌ها همان‌گونه که بدون توجه به علم دستور زبان، زبان‌دان‌های خوبی می‌باشند آیا بدون توجه به قواعد اقتصاد خرد متعارف، اقتصاددانان و آماردانان خوبی نیز هستند یا خیر؟ جواب اجمالی این سؤال منفی بوده است؛ یعنی بر خلاف قواعد دستور زبان، انسان‌ها به صورت استثنائی منطبق بر قواعد اقتصاد خرد متعارف عمل می‌کنند. در مباحث روش‌شناسی با ورود امکان مبادله و نگاه تکاملی به این بحث، شدت نقد به اقتصاد خرد نئوکلاسیکی کاهش می‌یابد؛ یعنی در بلندمدت به دلیل امکان مبادله و خاصیت تنبیه و تشویق در دنیای اقتصادی، نظم اقتصادی تا حدودی به سمت مدل نئوکلاسیکی خواهد رفت. تفصیل این موضوع نیازمند بحثی مستقل است.

*. بهینه‌سازی مفهومی بسیار منعطف است و حتی تحلیل مبادله را نیز می‌توان با دیدگاه تفاضلی تبدیل به مساله بهینه‌سازی کرد (یعنی حداکثرکردن مازادهای موجود در مبادلات ممکن). حتی نهادها را نیز می‌توان بر اساس بهینه‌سازی توضیح داد. به هر حال موضوع نقص اطلاعات همواره وجود داشته و با این دیدگاه از بین نمی‌رود؛ یعنی مشکل اصلی این است که تابعی شناخته‌شده و در دسترس برای «مبادلات ممکن» وجود ندارد تا بتوان مازاد حاصل از این مبادلات را حداکثر نمود.

** در ادبیات نهادی از این علم با عنوان نظریه قرارداد (در مقایسه با نظریه انتخاب) نیز نام برده می‌شود.

واقعیات اقتصادی نشان داده‌اند: اولاً؛ تولید انبوه اجتماعی و رفاه حاصل از آن وابسته به فرآیند مبادله است و آنچه رفاه ملت‌ها را محدود می‌کند نقص در بهینه‌سازی آنها نیست بلکه نقص در شکل‌گیری مبادلات اجتماعی و تفاوت در نحوه استقرار نهادهای تسهیل‌کننده همکاری‌های اجتماعی است (تأکید بر جنبه همکاری و محتوای فرآیند)، ثانیاً؛ بهینه‌سازی کامل در دنیای واقعی ممکن نیست و از نظر اقتصاد خردی، بهینه‌سازی از طریق مبادلات متعدد فردی و اجتماعی انجام می‌شود (تأکید بر جنبه شکلی فرآیند). بر این اساس، فرآیند مبادله نه در حاشیه بلکه در مرکز علم اقتصاد قرار خواهد داشت.

تأکید بر جنبه‌های فنی بهینه‌سازی و توجه ویژه به مباحث آماری و سنجی در اقتصاد نئوکلاسیکی باعث شده‌اند علم اقتصاد به علمی محاسبه‌محور و آماری تبدیل شود، استفاده از صفت اسلامی برای این رویکرد ریاضی محور با چالش همراه خواهد بود؛ اما در علم مبادله، چه آن را بخش مغفول علم اقتصاد بدانیم و چه علمی مستقل، موضوع محاسبه از اهمیت ثانوی برخوردار است و اهمیت اصلی مربوط است به بحث استقرار و توسعه نهادهایی که مشوق مبادلات اجتماعی بوده و افزایش‌دهنده اطلاعات، کاهش‌دهنده فضای ناطمینانی و به‌صورت کلی، کاهش‌دهنده هزینه‌های مبادله باشند. از این لحاظ علم مبادله سنخیت و تجانس بسیار بیشتری با مباحث اسلامی خواهد داشت؛ چراکه کارکرد کاهش هزینه مبادله را در بسیاری از آموزه‌های اسلامی می‌توان مشاهده نمود.

۳. چالش‌های استفاده از ادبیات اقتصاد نهادی در اقتصاد اسلامی

با توجه به تجانس و اهمیت ادبیات اقتصاد نهادی برای ترکیب با آموزه‌های اسلامی، استفاده از ادبیات اقتصاد نهادی می‌تواند موجب افزایش ظرفیت پیشروی در اقتصاد اسلامی باشد. با این حال چالش‌هایی نیز در این خصوص وجود دارد: چالش اول مربوط به سمت علم اقتصاد در ترکیب اقتصاد اسلامی است و چالش دوم مربوط به سمت مباحث اسلامی و به خصوص فقه اجتماعی است.

۳-۱. عدم توجه کافی به رویکرد نهادگرایی در علم اقتصاد

اگر فقط رویکرد نئوکلاسیکی در علم اقتصاد دارای اهمیت و کارکرد باشد، تجانس آموزه‌های اسلامی و مباحث نهادی نمی‌تواند انگیزه کافی برای تغییر گفتمان اقتصاد اسلامی

به سمت اقتصاد نهادی فراهم آورد. تا زمانی که اهمیت رویکرد نهادی در جوامع دانشگاهی مشخص نشده و آشنایی و تسلط کافی به ادبیات نهادی در بین اقتصاددانان وجود نداشته باشد این رویکرد در حاشیه علم اقتصاد قرار داشته و مورد توجه اقتصاددانان اسلامی نیز نخواهد بود. در سال‌های اخیر، امکان، مفیدبودن و یا حتی ضرورت تغییر گفتمان اقتصاد اسلامی به سمت مباحث نهادی بارها مورد اشاره محققین این حوزه قرار گرفته است؛ اما شاید به دلیل ضعف نظام آموزشی اقتصاد در زمینه تشریح مباحث نهادی، هیچ‌گاه به صورت جدی و مخصوصاً به صورت ریشه‌ای و مبتنی بر نظریات اقتصاد خرد به این موضوع پرداخته نشده است (تلاش مقاله ارائه توضیحات نظری در این راستاست). البته در سال‌های اخیر در برنامه‌ریزی آموزش اقتصاد در ایران این موضوع مورد توجه واقع شده و واحدهای درسی در خصوص مباحث نهادی به برنامه رسمی آموزش این رشته اضافه شده است؛ اما از نظر اجرایی با کمبود اساتید متخصص و منابع مواجه است.

۳-۲. چالش اختلافات فقهی و ضعف در هسته فقهی اقتصاد اسلامی نهادگرا

ساخت اقتصاد اسلامی علاوه بر مبانی فلسفی و اعتقادی خاص اسلامی نیازمند به یک هسته سخت و منسجم فقهی در خصوص مسائل اقتصادی است. اگر اسلام را علاوه بر مبانی اعتقادی و فلسفی خاص خودش، مجموعه‌ای از قوانین و قواعد کاملاً جزئی فقهی بدانیم که تمام جزئیات امور را از قبل مشخص کرده است، دیگر جایی برای انتخاب‌های عقلانی به معنای متعارف و جایی برای استفاده از نظریات علم اقتصاد چه نئوکلاسیک و چه نهادی باقی نمی‌ماند و ترکیب اقتصاد اسلامی بسیار مضیق خواهد شد. هر مقدار جای عقلانیت و اهمیت آن در فضای تصمیم‌گیری دینی باز شود به همان نسبت هم، جا برای ورود علم اقتصاد به مباحث دینی باز شده و قابلیت گسترش ادبیات اقتصاد اسلامی بیشتر خواهد بود. به نظر می‌رسد خود دین در مورد این موضوع، ساکت نبوده و می‌توان پاسخ اجمالی از متون و سنت اسلامی در خصوص ثابت یا متغیربودن احکام اسلامی و میزان دخالت عقل بشری در زندگی به دست آورد. البته بحث دقیق در این زمینه ماهیتی

تخصصی داشته و اختلاف نظرهای جدی نیز در خصوص بسیاری از احکام اسلامی و ثابت و متغیر بودن این احکام وجود دارد.*

استخراج احکام اسلامی از سنت اسلامی و تشخیص شرعی، حکومتی و یا قضایی بودن این احکام و به دنبال آن اظهار نظر در خصوص ثابت یا متغیر بودن آنها و همچنین صدور احکام برای موضوعات جدید و مستحدثه، موارد تعیین تکلیف قطعی شده و غیر اختلافی نیستند. اختلاف بین فقها تا حدود زیادی قابل پذیرش و مشابه اختلافات در سایر علوم است؛ اما به نظر می‌رسد در مسائل مهم اقتصادی مخصوصاً در جنبه‌های اجتماعی و حکومتی که از نظر تاریخی فقه شیعه به دلیل نقش نداشتن در حکومت کمتر به آنها پرداخته است، این اختلافات باعث عدم شکل‌گیری هسته سخت منسجم و قاطعی برای ساخت اقتصاد اسلامی شده است و این چالشی اساسی در ساخت اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود. این چالش هم‌اکنون نیز در اقتصاد اسلامی وجود دارد؛ اما تأکید بیشتر بر رویکرد نهادی سبب خواهد شد این چالش برجسته‌تر شده و بیشتر به چشم آید. قواعد حقوق مالکیت یکی از نهادهای مهم اقتصادی و مصداق یکی از این اختلافات فقهی است که دامنه گسترده‌ای از نظریه‌های فقهی کاملاً متفاوت در خصوص آن مطرح می‌باشد. این حد از اختلاف آرا «سبب می‌شود روح حاکم بر نظریه مالکیت از دیدگاه اسلام مشخص نشود و در ترتیبات نهادی نتواند وظیفه خودش را به انجام برساند» (ابوجعفری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴). نهاد مالکیت یک مثال مهم از لزوم تعیین تکلیف برای نهادهای حقوقی است که اثرات گسترده اقتصادی دارند؛ اما در عمل تعیین تکلیف قطعی نشده‌اند. در خصوص مسائل روزمره که به شکل عادی بین مردم جریان دارند این اختلافات کم‌اثر بوده و به چشم نمی‌آیند؛ اما در مقیاس عمومی و حکومتی و با بزرگ شدن اقتصاد و همچنین در زمان بروز اختلاف بین مردم، عدم تعیین تکلیف دقیق انواع حقوق مالکیت بسیار مهم و اثرگذار می‌شود. به نظر می‌رسد در قوانین جمهوری اسلامی ایران، راه‌حل‌های فقهی استفاده‌شده برای موضوعاتی مانند مالکیت زمین و منابع طبیعی، کنترل اثرات خارجی استفاده از حق

*. علی اکبریان (۱۳۸۸) در دو مجلد شرح بسیار مفیدی از نظرات مختلف در این خصوص ارائه کرده است.

مالکیت‌ها و همچنین میزان اختیارات حکومت اسلامی برای دخالت در مالکیت خصوصی افراد بسیار محافظه‌کارانه بوده و مناسب یک اقتصاد مدرن نیستند. فقه شیعه به صورت سنتی فردمحور و حامی مالکیت خصوصی بوده است و این احترام به مالکیت خصوصی گاه به گونه‌ای است که تا قبل از رسیدن مشکلات به حد اضطرار به حکومت اجازه طراحی‌های مدرن نهادی را نمی‌دهد. نهادسازی‌های مدرن* مثلاً اجبار مردم به ثبت اسناد یا دریافت جواز محدودیت‌های جزئی برای افراد ایجاد می‌کنند؛ اما در مقیاس ملی باعث بهبود وضع همه می‌شوند؛ اما با وجود منافع سرشار این نوع نهادسازی‌ها، نظام فقهی - حقوقی ما قادر به تعیین تکلیف قطعی برای امکان این نوع نهادسازی‌ها نیست؛ اگرچه بعد از برقراری نظام جمهوری اسلامی در ایران، مصالح اجتماعی و احکام حکومتی تبدیل به موضوع بحث مجتهدان شده و با وجود اینکه تفسیر موسع از نظریه «ولایت مطلقه فقیه جامع‌الشرایط» به حاکم اسلامی اجازه نهادسازی‌های مدرن را می‌دهد؛ اما باز هم شاهد محافظه‌کاری و بلاتکلیفی در نظام قانونگذاری کشور هستیم. تاریخ معاصر نشان می‌دهد در نظام جمهوری اسلامی اولین اختلاف‌های غیر قابل حل از طریق عادی اختلاف در موضوعات نهادی همچون مالکیت خصوصی و قانون کار بوده که هسته فقهی قاطعی برای تعیین تکلیف آنها نداشته‌ایم و با روش‌های ویژه برای قانونگذاری در خصوص آنها عمل کرده‌ایم. به صورت کلی استفاده از شیوه «عدم مغایرت» با احکام اسلامی که توسط شورای نگهبان به عنوان راهکار اجرایی استفاده می‌شود بسیار محافظه‌کارانه بوده و فقط جنبه سلبی داشته و جنبه ایجابی و رویکرد «نهادسازی» در آن بسیار کم‌رنگ است. به نظر نمی‌رسد این شیوه قادر به تأمین هدف تمدن‌سازی اسلامی باشد. این شیوه قادر نخواهد بود بستر مناسب و قابل

*. نهادسازی‌های مدرن بیشتر از اینکه مبتنی بر اضطرار باشند مبتنی بر مصلحت هستند. در اضطرار، مشکل کاملاً عینی و قابل مشاهده و تصمیم‌گیری و دفاع از تصمیم ساده‌تر است؛ اما در مصلحت، هدف کسب منافع یا عدم ایجاد مشکل در آینده است که به دلیل کمتر عینی بودن و غیر قطعی بودن منافع و از طرف دیگر قطعی و عینی تر بودن هزینه‌ها و ملزومات نهادسازی، تصمیم‌گیری در خصوص آن سخت‌تر بوده و نیازمند اجتهادی پویا و قوی می‌باشد.

اتکایی برای اقتصاد اسلامی با اهداف آرمانی (انجام وظیفه در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی) فراهم سازد.*

در خصوص ساخت اقتصاد اسلامی بر اساس رویکرد نهادی با دو جنبه مختلف روبه‌رو هستیم؛ جنبه اول موضوع «تجانس» و جنبه دوم موضوع «کارکرد» است. جنبه اول مبتنی بر این است که باید و نبایدهای دینی از جنس نهاد هستند و استفاده از ادبیات نهادی برای ساخت قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی می‌تواند بسیار مفید باشد. جنبه دوم خود موضوعی جداگانه و مبتنی بر این بحث است: آیا انتظاری که از نهادها در اقتصاد داریم توسط باید و نبایدهای اسلامی برآورده می‌شود؛ یعنی آیا این قواعد منجر به بهینگی و در نتیجه رفاه بیشتر (با معنای عام و نه فقط مبتنی بر ثروت مادی) در زندگی می‌شوند یا خیر؟** جواب به این سؤال هر چه باشد؛ حتی رد امکان این نوع بررسی به جنبه اول بحث یعنی «سنخیت و تجانس اقتصاد خردی» بین آموزه‌های اسلامی و مباحث نهادی خللی وارد نمی‌کند. در واقع بعد از موضوع تجانس بلافاصله جنبه دوم یعنی کارکرد مطرح می‌شود که اگرچه زمینه‌ای پر ظرفیت برای برنامه‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی و حتی بستر مناسبی برای موضوع‌شناسی فقهی خواهد بود؛ اما می‌توان پیش‌بینی نمود که با تغییر «رویکرد شکلی» اقتصاد اسلامی از نئوکلاسیکی به نهادی و در مرحله بررسی کارکرد نهادسازی‌های اسلامی، چالش اختلاف نظرهای فقهی خود را بیشتر نشان خواهد داد. در واقع موضوع بحث در رویکرد اسلامی - نئوکلاسیکی، دو جنس مختلف است که با تفسیر مناسب، تضادی هم بین آنها ایجاد نمی‌شود؛ چراکه از یک طرف، بهینه‌سازی امری خنثی، منعطف و قابل ترکیب با سایر مفاهیم و از جمله مفاهیم اسلامی بوده (Hasan, 2002) و از طرف دیگر «در

۱۱۵

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / تجانس و اهمیت اقتصاد نهادی ...

*. مباحث مالی و بانکداری اسلامی نیز مثالی روشن از ضعف روش «عدم مغایرت» به شمار می‌رود. تلاش برای اجرای بانکداری بدون ربا لزوماً به معنای بانکداری اسلامی نیست؛ به عبارت دیگر اسلامی‌شدن بانکداری فقط وابسته به قواعد سلبی نیست؛ بلکه نیازمند مجموعه بزرگ‌تری از قواعد سلبی و ایجابی در کنار یکدیگر (طراحی نهادی جامع‌تر) است.

** . امکان ارزیابی این موضوع مخصوصاً با تأکید بر «تکلیف‌گرایی» محل اختلاف است (برای بحث بیشتر ر.ک: زاهدی وفا و همکاران، ۱۳۹۵)؛ با این حال به نظر می‌رسد فضای گسترده‌ای در زندگی اقتصادی وجود دارد که تا حدود زیادی می‌توان این ارزیابی را در آن فضا انجام داد.

مبانی دینی ما نیز بر بهینه‌یابی مهندسی تأکید شده است» (رجایی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹)؛ اما در اقتصاد نهادی، مباحث در نهایت بر نهادسازی‌های مناسب و انتخاب برخی نهادهای خاص متمرکز می‌شود که تا حدود زیادی از جنس مباحث فقهی است، این همجنس‌بودن می‌تواند چالش‌زا باشد؛ چراکه اقتصاد اسلامی باید نشان دهد نهادسازی‌های سنت اسلامی در حوزه اقتصاد - در بخش ثابت خود - همچنان کارکردهای نهادی مناسب دارند؛ یعنی در جهت افزایش اطلاعات و عقلانیت، کاهش نااطمینانی‌ها و کاهش هزینه‌های مبادله عمل می‌کنند. چالش مهم‌تر نیز معرفی نهادهای نوین اسلامی و طراحی کارآمد یک الگوی نهادی اسلامی برای پیشرفت خواهد بود. ساخت ادبیات اقتصاد اسلامی با بهره‌گیری بیشتر از رویکرد اقتصاد نهادی اگرچه مبتنی بر تجانس شکلی مباحث نهادی و اسلامی است؛ اما به دلیل چالش اختلافات فقهی به سادگی ممکن نبوده و نیازمند تلاش و پویایی بیشتر در حوزه علوم اسلامی و مخصوصاً فقه است و موفقیت در حل این مشکل، شرط مشارکت مؤثر اقتصاد اسلامی در تمدن‌سازی اسلامی است.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به تسلط رویکرد نئوکلاسیکی در علم اقتصاد و مخصوصاً اقتصاد خرد، سؤال اساسی مقاله این بود که آیا قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی نیز باید همین وضعیت را داشته باشد؛ یعنی آیا تأکید اصلی اقتصاد اسلامی باید بر ترکیب آموزه‌های اسلامی و ادبیات نئوکلاسیکی باشد؟ مسلماً اقتصاد اسلامی باید از تمامی ابزارهای تحلیلی موجود در علم اقتصاد به فراخور موضوع استفاده کند. باین‌حال در این مقاله شواهدی نظری ارائه گردید مبنی بر اینکه از جنبه شکلی و در سطح اقتصاد خرد، ادبیات نهادی در مقایسه با ادبیات نئوکلاسیکی اهمیت و تجانس بسیار بیش‌تری برای ساخت قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی دارند. این تجانس تا حدود زیادی بدیهی می‌نماید و بارها مورد تأکید پژوهش‌های اقتصاد اسلامی نیز بوده؛ اما به دلیل عدم شناخت کافی از ادبیات نهادی و همچنین به دلیل چالش‌برانگیزبودن ورود به مباحث نهادی خیلی مورد توجه پژوهشگران اقتصاد اسلامی قرار نگرفته است.

در این مقاله تلاش بر این بود اهمیت مباحث نهادی در ذیل دو موضوع محوری «تصمیم‌گیری نهادی» و «هزینه‌های مبادله» مورد بحث قرار گیرد. اگر اقتصاد خرد فقط مربوط به تصمیم‌گیری مبتنی بر «بهینه‌سازی» و مدل‌سازی ریاضی آن باشد، به نظر نمی‌رسد آموزه‌های اسلامی بتوانند به این روابط ریاضی چیز زیادی اضافه کنند. بهینه‌سازی ریاضی به عنوان واحد اصلی تحلیل در اقتصاد خرد نئوکلاسیکی اگرچه تضادی با آموزه‌های اسلامی ندارد؛ اما از جنس این آموزه‌ها نبوده و اسلامی کردن منفعلانه این روابط مانند اسلامی کردن ریاضی و هندسه خواهد بود. با کنارگذاشتن فروض نئوکلاسیکی، نهادها و هزینه‌های مبادله نقش اساسی در اقتصاد پیدا می‌کنند و در مقایسه با بهینه‌سازی ریاضی، مباحث مربوط به «تصمیم‌گیری نهادی» و «کاهش هزینه‌های مبادله» فضای نظری بسیار متجانس‌تری برای ساخت قسمت ترکیبی اقتصاد اسلامی فراهم می‌سازند. شواهد رفتاری و عصب‌شناختی نیز نشان می‌دهند بهینه‌سازی مستقیم و لحظه‌ای به شکل مداوم و برای تمام تصمیم‌گیری‌ها ممکن نبوده و ذهن تمایل ذاتی دارد که عادات و قواعد را جانشین بهینه‌سازی مستقیم نماید. کیفیت این عادات و قواعد بسیار سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده کارایی تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. اقتصاددانان و مخصوصاً اقتصاددانان اسلامی لازم است خود را از مخرجه قدیمی و ایدئولوژیکی لزوم انتخاب بین بهینه‌سازی و تصمیم‌گیری نهادی رها سازند و به کارکرد متفاوت هر کدام از این دو جنبه تصمیم‌گیری توجه کافی داشته باشند. یافته‌ها و نظریه‌پردازی‌های چند دهه اخیر در اقتصاد نهادی و اقتصاد رفتاری نشان داده‌اند «تصمیم‌گیری نهادی» امری فرعی در علم اقتصاد نیست بلکه هم‌ردیف با «بهینه‌سازی» بوده و هم‌زمان هر دوی این مکانیزم‌ها از اهمیت بالایی در علم اقتصاد برخوردار هستند. مشاهدات دنیای واقعی نیز تأییدکننده جایگاه و کارکرد تصمیم‌گیری‌های نهادی است. اگر تصمیم‌گیری نهادی ذاتاً غیر کارا و محدودکننده بود در روند تکاملی زندگی اقتصادی جوامع مختلف دوام پیدا نمی‌کرد. دوام و حضور این نوع تصمیم‌گیری در زندگی افراد نشانه‌ای از کارکرد اقتصادی این نوع تصمیم‌گیری است.

تصمیم‌گیری نهادی و هزینه مبادله ادبیاتی گسترده و غنی دارند؛ اما در نظام آموزش و پژوهش اقتصاد در ایران مورد غفلت واقع شده‌اند و به همین دلیل با وجود تجانس ادبیات نهادی برای ترکیب با آموزه‌های اسلامی، در عمل خیلی مورد توجه محققان اقتصاد اسلامی

واقع نشده‌اند. استفاده بیشتر از ادبیات نهادی در اقتصاد اسلامی با اهمیت موضوعات و عملیاتی‌بودن آنها در دنیای واقعی مطابقت بیشتری دارد و می‌تواند باعث بهبود وضعیت علمی اقتصاد اسلامی شود. بر این اساس لازم است در برنامه رسمی آموزش و پژوهش اقتصاد و اقتصاد اسلامی توجه بیشتری به ادبیات نهادی صورت پذیرد. خوشبختانه این موضوع در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار گرفته است با این حال به دلیل کمبود منابع و نبود سابقه آموزشی و پژوهشی در بین اساتید، در زمینه اجرا با مشکلاتی روبه‌روست که امید می‌رود به مرور زمان مرتفع گردند. توجه به این نکته نیز ضروری است که حوزه اقتصاد خرد (تصمیم‌گیری) با وجود اهمیت زیاد، بیش از سایر حوزه‌های اقتصاد نهادی ناشناخته است و لازم است نظریات مطرح در این حوزه نیز در سرفصل‌های رسمی دروس نهادی گنجانده شوند. مباحث نظری مطرح شده در این مقاله چارچوبی مقدماتی برای ورود به مباحث نهادی پیشنهاد می‌کند؛ اما در نهایت هدف مباحث نهادی - اسلامی باید طراحی‌های نهادی برای افزایش کارایی اقتصادی جامعه اسلامی و کاهش هزینه‌های مبادله باشد؛ لذا لازم است در ادامه، تحقیقات اقتصاد اسلامی بیش از هر چیز همسو با این هدف باشند.

منابع و مأخذ

۱. آقا نظری، حسن؛ «خاستگاه نظریه‌پردازی علمی اقتصاد اسلامی با رویکرد نهادی آن»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد؛ ش ۲، ۱۳۹۵.
۲. _____؛ روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد واقعیت نهادی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
۳. ابوجعفری، روح‌الله؛ «برداشت اقتصاد نهادگرا و مطالعه اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اندیشه صادق؛ ش ۲۲، ۱۳۸۵.
۴. انصاری، محمدجعفر و همکاران؛ درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.

۵. جوشقانی نائینی، سیدحمید، محمدجواد توکلی و پرویز داوودی؛ «تطور مفهومی نهاد و دلالت آن بر مطالعات نهادی اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران»، دوفصلنامه علمی و پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران؛ ش ۲۸، ۱۳۹۶.
۶. رجایی، سیدمحمدکاظم؛ اقتصاد خرد (با نگاهی به مباحث اسلامی)؛ ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱.
۷. زاهدی وفا، محمدهادی و همکاران؛ «نقد ابتدای اقتصاد اسلامی بر مطلوبیت‌گرایی دوساحتی، درآمدی بر تکلیف‌گرایی دینی»، دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی؛ ش ۱۷، ۱۳۹۵.
۸. شریف‌زاده، محمدجواد؛ «سازوکارهای اعمال قرارداد در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ ش ۴۵، ۱۳۹۰.
۹. صالحی، زهره و محمدرضا حیدری؛ «الگوی نظام مبادله در اقتصاد اسلامی: با پافشاری بر تقارن اطلاعات»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ ش ۶۵، ۱۳۹۶.
۱۰. علی اکبریان، حسن‌علی؛ معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات؛ ج ۱ و ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۱. کانمن، دانیل؛ تفکر، سریع و کند؛ ترجمه فروغ تالو صمدی؛ کرج: در دانش، ۱۳۹۴.
۱۲. کرمی، محمدحسین؛ تعادل عمومی بازارها (نگاهی فلسفی و روش‌شناختی)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۳. متوسلی، محمود و همکاران؛ اقتصاد نهادی (پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند)؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۱۴. _____؛ تجدید حیات اقتصاد نهادی (نگاهی به اندیشه‌های اقتصاددانان نهادی جدید)؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰.
۱۵. متوسلی، محمود، مصطفی سمیعی‌نسب و علی نیکونسبتی؛ نگاهی به رویکردهای بدیل: نهادگرایی و مکتب اتریش؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۵.
۱۶. معرفی محمدی، عبدالحمید؛ «مفهوم نظم در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ ش ۵۸، ۱۳۹۴.

۱۷. نصیری اقدم، علی؛ «اقتصاد هزینه مبادله»، دوفصلنامه علمی و پژوهشی جستارهای اقتصادی؛ ش ۵، ۱۳۸۵.

18. Boettke, P.; “What is wrong with neoclassical economics (and what is still wrong with Austrian economics”, in Fred Foldvary, ed., **Beyond Neoclassical Economics** Edward Elgar Publishing, 1996.
19. Bowles, S.; **Microeconomics: behavior, institutions, and evolution**; Princeton: Princeton University Press, 2004.
20. Buchanan, J. M.; “Game theory, mathematics, and economics”, **Journal of Economic Methodology**; Vol.8, No.1, 2001.
21. Coase, R.; “The Institutional Structure of Production”, **The American Economic Review**; Vol.82, No.4, 1992.
22. Colander, D. (Ed.); **Beyond Microfoundations: Post Walrasian Economics**; Cambridge University Press, 1996.
23. Colander, D.; “The death of neoclassical economics”, **Journal of the history of Economic Thought**; Vol.22, No.2, 2000.
24. Hasan, Z.; “Maximisation Postulates and their efficacy for Islamic Economics”; **The American Journal of Islamic**, Volume 19, 2002.
25. Hodgson, G. M.; “The approach of institutional economics”, **Journal of economic literature**; Vol.36, No.1, 1998.
26. Hodgson, G.M.; “What Are Institutions?”, **Journal of Economic Issues**; Vol.XI, No.1, 2006.
27. Joskow, P. L.; **Introduction to new institutional economics: A report card**: in New institutional economics; A guidebook, 2008.
28. Kuran, T.; “Islam and underdevelopment: an old puzzle revisited”, **Journal of Institutional and Theoretical Economics**; (JITE)/Zeitschrift für die gesamte Staatswissenschaft, 1997.

29. McMillan, J.; **Reinventing the bazaar: A natural history of markets**; New York: W. W. Norton, 2002.
30. Olsson, O.; “A microeconomics Analysis of institutions”, **Working paper in Economics**; No.25. Department of economics Goteborg university, 1999.
31. Rutherford, M.; “Institutional economics: then and now”, **Journal of Economic Perspectives**; Vol.15, No.3, 2001.
32. Solow, R.; “How Did Economics Get That Way and What Way Did It Get?”, **Daedalus**; Vol.126, No.1, 1997.
33. Williamson, O. E.; “The new institutional economics: taking stock, looking ahead”, **Journal of economic literature**; Vol.38, No.3, 2000.
34. Williamson, O. E.; “The Economics of Governance”, **American Economic Review**; Vol.95, No.2, 2005a.
35. Williamson, O. E.; “Transaction cost economics”, In **Handbook of new institutional economics**; Springer US, 2005b.